

# ایدئولوژی بهائیت

مدی خزان

www.ketab.ir

مرشناسه : خزائی، مهدی، ۱۳۶۲  
 عنوان و نام پدیدآور : ایدئولوژی بهائیت / مهدی خزائی.  
 مشخصات نشر : همدان: انتشارات دانشجو، ۱۳۹۶.  
 مشخصات ظاهری : ۸۶ ص. ۲۱×۱۴ س.م.  
 شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال ۵-۵-۵۷۹۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۱  
 موضوع : بهائیکری — ایران — تاریخ  
 موضوع : Bahai Faith — Iran — History  
 موضوع : بهائیکری — عقاید  
 موضوع : Bahai Faith — Doctrines  
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ الف ۴/خ ۳۳۰/ب  
 رده کتاب نویز : ۲۹۷/۵۶۴  
 شماره کتابت سی : ۵۰۱۰۲۳۱

### مشخصات کتاب

عنوان: ایدئولوژی بهائیت  
 نویسنده: مهدی خزائی  
 ناشر: انتشارات دانشجو  
 شابک: ۵-۵-۵۷۹۴-۹۶۴-۹۷۸  
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶  
 چاپ و صحافی: روشن  
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
 قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر است.

## فهرست مطالب

### عنوان / صفحه

- ۶ / مقدمه
- ۱۱ / تولد ساختاری بنام ایدئولوژی
- ۱۱ / جدال اصولیون و اخباریون
- ۱۳ / رهبران شیخیه
- ۲۵ / روش فقهی شیخیه
- ۲۷ / شکا گیری شیخیه بعد از مرگ شیخ احمد احسائی
- ۳۲ / نقش کاظم رشتی در پیشبرد اهداف تزار روس
- ۳۳ / استمرار جریان شیخیه
- ۴۷ / بهره براری استعمار از احسائی و رشتی
- ۴۹ / نسبت ارزش های بنیادی برای بیگانگان
- ۵۲ / راه های پیش گرفته برای تضعیف و تحریف اسلام
- ۵۳ / گزینی بر ادعاهای باب
- ۵۶ / ایدئولوژی باباگری و بهائی گری
- ۵۷ / زمینه های بروز ایدئولوژی بابیت
- ۵۹ / وضعیت ایران و دولت
- ۶۴ / وضعیت سیاست
- ۶۷ / روشنفکران دوره ی مشروطیت
- ۷۲ / حلقه اتصال مشروطه و بهائیت
- ۷۴ / بهائیان بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی
- ۸۱ / بهائیت امروز
- ۸۵ / فهرست منابع

## مقدمه

در زمان سلطت دولت قاجار مذهب شیعه مذهب حاکم بر کشور و مراجع تقلید، رهبران حقیقی اجتماعات مردم ایران بودند. اقتدار آنان در مقابل اقتدار شاه از قدرت هم‌سنگ و یا در مواقع تعارض از قدرت بالاتری برخوردار بود. بنابراین دولتهای استعماری روس و بعد از آن انگلیس که سلطه‌ی خود را بر دولت ایران مستقر کرده بودند برای شکستن اقتدار ملت ایران که در مقابل آنان حاضر به تسلیم نبود به فکر شکستن اقتدار مذهب شیعه و زنجیری این تفرقه‌ی دینی را در مکتب شیخیه<sup>۱</sup> یافتند و بر اساس آن به

---

<sup>۱</sup> شیخیه فرقه‌ای منشعب از شیعه است که به پیروان و جانشینان شیخ احمد احسائی گفته می‌شود. شیخیه می‌گویند تنها راه کشف معارف، توسل به معصومان است و انسان به استقلال قادر به درک هیچ‌یک از علوم نیست حتی در مسائلی مانند ریاضت و صنایع. آنها عقل را در استخدام نقل می‌دانند و می‌گویند اگر عقل مسئله‌ای را متوجه نشود، منها استمداد از انوار اهل بیت است. شیخیه دارای عقاید خاصی در مقایسه با دیگر فرق تشیع است. درباره معاد می‌گویند این جسد در قبر تجزیه شده و از بین می‌رود و به طبیعت باز می‌گردد. روح انسان، جسد هورقلیایی است و فناپذیر نیست. معاد با همین جسم هورقلیایی صورت می‌گیرد. معاد را آنها رکن رابع است که بر طبق آن، در هر عصری، شیخ و انسان کاملی وجود دارد که احکام را بدون واسطه از امام زمان (ع) می‌گیرد و به مردم می‌رساند. شیخیه به دو گروه اصلی در کرمان و آذربایجان تقسیم می‌شوند که در برخی عقاید با یکدیگر اختلاف نظر دارند. (بحرالعمومی، حسین، (۱۳۵۶)، آثار شیخیه، یغما، سال سی ام، شماره ۹ (پیاپی ۲۵۱)، ص ۵۳۲ - کاظمی راد، رضا؛ (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی عوامل ایجاد دو فرقه مورمونها و شیخیه در اسلام و مسیحیت، معرفت ادیان، سال سوم، شماره چهارم، ص ۵۱)

تحریم و ایجاد فرقه ی<sup>۲</sup> بابیه پرداختند. در این رساله به بحث درباره ی ایدئولوژی<sup>۳</sup> بهائیت می پردازیم و سعی خواهیم نمود ارتباط میان شیخیه<sup>۴</sup>، بابیه<sup>۵</sup>، ازلیه<sup>۶</sup> و بهائیه<sup>۷</sup>

<sup>۲</sup> کلمه «فرقه» به شکلی که امروزه استفاده می شود، عبارتی برای اشاره به جنبش های نوپدید دینی یا سایر گروه هایی است که اعتقادات آن ها یا رفتارهایشان از نظر عموم مردم غیر عادی یا غریب محسوب می شود. از لغت «فرقه» به عنوان ابزاری برای تخریب علیه گروه هایی استفاده می شود که اعتقادات یا رفتارهای غیر متعارف دارند، بدون آن که تعریف دقیق و ثابتی از کلمه فرقه ارائه شود. فرقه ها در دهه ۱۹۳۰ مورد توجه محققان علوم اجتماعی در حوزه مطالعه رفتارهای مذهبی قرار گرفتند. این گروه ها مورد اسناد جریان غالب مسیحیت قرار داشتند چرا که اعتقاداتشان با قرائت رسمی مسیحیت متفاوت بود. در دهه ۷۰، جنش های ضد فرقه ای به وجود آمدند.

(Gablinger, Tamar (2010). The Religious Melting Point: On Tolerance, Controversial Religions and The State. Germany: Tectum Verlag. pp. ۱۵-۱۶. شابک ۳۸۸۸۲۸۶۲-۹۷۸-۳.

religious movement' was meant to serve as a substitute for biased and connotation-laden terms such as 'cult'. The term 'cult' itself is "problematic

Dr. Chuck Shaver - Sects and Cults - Greenville Technical College - Retrieved 21 March 2013

Erwin Fahlbusch, Geoffrey William Bromiley - The Encyclopedia of Christianity: P-Sh, Volume 4 page 897. Retrieved 21 March 2013)

<sup>۳</sup> ایدئولوژی یا مرام (به انگلیسی: Ideology) مفهومی بسیار بحث انگیز و فرار در علوم اجتماعی است. می توان گفت ایدئولوژی به مجموعه ای از باورها و ایده ها گفته می شود که به عنوان مرجع توجیه اعمال، رفتار و انتظارات افراد عمل می کند. به طور دقیق تر، می توان برداشت های موجود از ایدئولوژی را در چهار دسته گنجانید:

۱. ایدئولوژی نوعی اندیشه انحرافی کاذب و غیرواقعی است. برای مثال، «آگاهی» انسان ها که در جامعه سرمایه داری سوژه شمرده می شوند. این تعبیر که از نظر شناخت شناسی منفی است، مشخصاً از سوی مارکس و انگلس عنوان شده است. به بیان دیگر، بنا به این تعبیر، ایدئولوژی نوعی آگاهی

کاذب و غیر واقعی است که انسانها بر اساس آن عمل می کنند و خود نمی دانند که این آگاهی دروغین است. در حقیقت آنان اینگونه می اندیشند که آگاهند در حال یک آگاهی آنان توسط رمابه دران به آنان بطور ناخود آگاه تزریق شده است و انسانها خود از آن بی خبرند.

۲. ایدئولوژی مجموعه ای است از ایده ها، نظرات، اعتقادات و نگرشها: مانند جهان بینی یک طبقه یا گروه اجتماعی. این تمیز از نظر اجتماعی نسبی است. این دیدگاه بیشتر در نظریه های پسا مارکسی نظیر مائوئیسم، خلی گتورگ لوکاچ و نقد کارل مانهایم بر پیش داوری های ماتریالیسم تاریخی حضور دارد.

۳. ایدئولوژی یک نظام فکری، مذهب و پیش آگاهانه است (ایدئولوژی نظریه). این تعبیری محدود از ایدئولوژی است که مورد رادیکال مارکس و پل پوپر می گیرد. این تعبیر تا دهه ۱۹۶۰ میلادی برداشت غالب از مقوله ایدئولوژی در بحث های فلسفی و سیاسی بود. در این تعریف، ایدئولوژی نظامی است از باورها که قسمتی از آن به صورت آگاهانه توسط فرد انتخاب می شود و قسمتی از آن به صورت ناخود آگاه در اجتماع توسط فرد کسب می شود.

۴. ایدئولوژی رسانه کمابیش نا آگاهانه و رفتارهای مردم را خوب می شود (ایدئولوژی عملی). این تعریفی مبسوط است که توسط مارکس مطرح شده است و بعدها آنتونیو گرامشی و لویی آلتوسر آن را توسعه داده اند. این برداشت، از دهه ۶۰ به بعد مقبول تر شده است. این تعریف ادامه تعریف مارکستی از ایدئولوژی است با این تفاوت که ایدئولوژی را آگاهی کاذب نمی داند بلکه قسمتی از آن را که نا آگاهانه است را مسئول قسمتی از عملکرد انسانها در جامعه می داند. این تعبیرهای متفاوت که از ایدئولوژی شده است از نظر دستگاه های معرفت شناسانه (اپیستمولوژی)، شمول جامعه شناسانه آن، کارکرد، صورت سیاسی، استلزامات ایدئولوژی، و ویژگی ذهنی- روان شناسانه یا عینی- اجتماعی آن با هم تفاوت دارند. (مرام و ایدئولوژی - هر دو - از واژه های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای ideology در انگلیسی و در حوزه علوم سیاسی هستند. فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان: ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵، بخش لاتین، فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۱۲. بازبینی شده در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱). - ویراسته مایکل پین. «مدخل ایدئولوژی، از

گریگوری، ایوت، در فرهنگ اندیشه انتقادی، از روشنگری تا پسادرنیته. ترجمه پیام یزدانجو. چاپ اول. تهران: نشر مرکز. شابک ۹۶۴-۳۰۵-۷۰۰-۳

۴ شیخیه نام گروهی از مسلمانان است که از شیخ احمد بن زین الدین احسانی پیروی می کنند که بنیان گذار مذهب شیخیه یا ارسنه الشیخیه است. پس از شیخ احمد احسانی مؤسس این مذهب، شاگرد او سید کامران سیستانی مشهور او شد.

۵ آیین بابی به دینی گفته می شود که از سال ۱۲۵۹ قمری به رهبری علی محمد باب و با حمایت جمعی از پیروان شیخیه در ایران پدید آمد. این جنبش در ادامه و پس از ایجاد شورش و ترور در چند شهر کشور و اعدام علی محمد باب به شمال تبعید شد و توسط جانشین وی صبح ازل ادامه یافت. اما برادر کوچکتر صبح ازل (حسینی نوری خود را من یظهره الله که باب بشارت داده بود دانسته و بهائیت را بنیان گذارد. (مظاهرات و طرقات آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی درباره دبیگیری و بهاییگری، مجله مطالعات تاریخی، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۱۷- سجادی، علیرضا، «بابیه»، دانشنامه بزرگ اسلامی، بازبینی شده در ۲۰۱۲.

۶ ازلی نام گروهی از پیروان سید علی محمد باب است که پس از وی صبح ازل را جانشین وی دانستند. این دسته از پیروان سید علی محمد شیرازی مشهور به باب که بعد با کتاب بیان بوده و 'بیانی' نامیده می شدند، به دنبال طرح موضوع من یظهره الله بودن میرزا حسینعلی نوری در سال ۱۸۶۶، نظریه های ایشان را در خصوص اینکه موعود کتاب بیان هستند را نپذیرفتند و همچنان به کتاب بیان و جانشین سید علی محمد باب یعنی میرزا یحیی نوری صبح ازل پایدار و ماندگار ماندند و ازلی نام گرفتند. این گروه اقلیتی از پیروان باب بودند که میرزا یحیی را جانشین او دانستند. این گروه بر این باورند که امام علی علیه السلام و عمر بن خطاب هر دو قدیم و ازلی هستند، مگر اینکه امام علی علیه السلام خیر محض و خوب مطلق است، و عمر بن خطاب، شر محض و بد مطلق است که با کارهای زشت و ناپسند خود همیشه آن حضرت را آزرده خاطر می نمود. این فرقه تحت تأثیر افکار ثنویت زرتشتی و اصالت اهورامزدا و اهریمن واقع شده اند. (پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب)